



جواد محدثی

فضایل پایان ناپذیر امام علی علیه السلام، دستمایه آفرینش های ادبی و سرچشمه الهام نویسندگان، شاعران و هنرمندان بوده و خواهد بود.

تولد آن حضرت در خانه خدا و شکافته شدن دیوار کعبه، موهبت و فضیلتی است که تا کنون به این صورت برای هیچ بشری پیش نیامده و از منقبت های منحصر به فرد امیرمؤمنان به شمار می رود!

این مسأله، مانند مسائل دیگر مربوط به شخصیت والای پیشوای نخستین شیعه، به صورت گسترده ای در ادبیات فارسی و آثار شاعران انعکاس یافته است. نوشته حاضر، نگاهی است گذرا به این بازتاب نورانی در رواق ذهن و زبان و سروده شاعران متعهد، از دیرباز تا زمان حاضر.

این نکته که خانه زاد خدا، حضرت علی علیه السلام موجب حرمت و شرافت بیت الله شده، تولد حضرت در کعبه، به آن اعتبار و آبرویی ویژه بخشیده است، به طور گسترده در اشعار شاعران مطرح شده است.

«شیخ حسن کاشی» می سراید:

در کعبه بزاد آن جهاندار

در کعبه کسی چو او نزاده

آن جفت بتول و شیر گزار

این منزلتش خدای داده

پذیرایی خدا از میهمانی عزیز در خانه خویش، سوژه دیگری است که در این آثار دیده می‌شود.

برتری حضرت فاطمه بنت اسد بر مادر عیسی بن مریم، به لحاظ کیفیت به دنیا آوردن نوزاد خویش و اینکه به مریم گفته شد از بیت المقدس و معبد الهی بیرون برود، ولی مادر امیرالمؤمنین، به دورن کعبه مقدس برده شد، نکته دیگری است. پیوند وجودی حضرت امیر با خانه خدا، چه در تولد و چه در شهادت، دستمایه سرودن‌های نغز دیگری است و این بیت مشهور را همه می‌دانند که:

کسی را میسر نشد این سعادت به کعبه ولادت، به مسجد شهادت

اینگونه ولادت و شهادت، به عنوان «حَسَن مَطْلَع» و «حَسَن خْتَام» برای آن حضرت شمرده شده و شاعران چنین سروده‌اند:

در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام او

تفاخر کعبه به عرش به خاطر این افتخار که نصیبش شده بود، محور سروده‌های دیگری از شاعران است.

اینکه کعبه، قبله موحدان عالم است و همه خداپرستان در حال نماز، روی بر کعبه می‌کنند، گویای این حقیقت است که توجه به خدا از راه توجه به حجت خدا است و توحید با ولایت پیوند دارد، موضوع دیگری است که در آثار ادبنا طرح شده است. اکنون نظری به برخی از این سروده‌ها می‌افکنیم و تجلی ولایت علوی و مناقب حیدری را در آیین ادبیات می‌نگریم:

«صغیر اصفهانی» در قصیده «غیب الغیب» خویش، از جمله در ابیاتی، این اشارات را دارد:

در حریم کعبه شاه انس و جان آمد پدید

آنچه مقصود دو عالم بود، آن آمد پدید

کعبه خود قلب جهان است و ز غیب ذات خویش

سرّ غیب الغیب در قلب جهان آمد پدید



پیش از آن کاید فرود «ایاک نعبد، نستعین»

از درون کعبه وجه مستعان آمد پدید

«شمس اصطهباناتی» نیز در مسمطی که با «امشب که چهر آسمان دارد صفای دیگری...» آغاز می‌شود، در ترسیم شب میلاد علی علیه السلام در یک بند چنین می‌گوید:

چون صبح فردا آفتاب از کوه بطحا سر زند

روح القدس بهر خبر، الله اکبر برزند

اول حصار کعبه را پیراهن دیگر زند

و آنگه درون خانه را آیین زیباتر زند

لوحی به شکل «یا علی» بر بام و بر سر در زند

نقشی برای جای پا بر دوش پیغمبر زند

بر مشرکان چشمک زند، لبخند بر خیبر زند

یعنی رسید آن کوکزو نسل عدو گردد تلف

و در ادامه، به زمینه‌سازی خدا برای میهمان نوازی از «مولود کعبه»، دربندی دیگر چنین می‌سراید:

این خانه را باید خدا یک روز معماری کند

آدم بنایش برنهد، نوحش پرستاری کند

و آنگه خلیلش با پسر تا سقف حجاری کند

آن یک در و بامش نهد و آن نقش و گچکاری کند

هر یک ز آباء رسول، پس خانه سالاری کند

کامروز اندر خانه‌اش یک میهمان‌داری کند

وز این گرامی میهمان امری عجب جاری کند

پس نقشه‌های ما سلف، بُد بهر این زیبا خَلَف

و در بندی دیگر به پیامدهای فرخندهٔ این میلاد می پردازد:

تا خانه زاد کبریا بنهاد اندر خانه پا
 هم بیت و هم رکن و مقام، هم میزوه هم کوه صفا
 هم دامن بنت اسد، هم چاه زمزم هم منا
 شد قبلهٔ اهل زمین، شد برتر از هفتم سما
 معنای تکبیر آشکار، شد از حریم کبریا
 هم خانه زاد است این پسر، هم خانه هم خانه خدا
 کامروز والا مقدمش شد فخر این عالی سرا
 زین خانه زاد آمد قلم در وصف و در تحریر، جف

«دکتر قاسم رسا» نیز با این نگاه به مسأله نگریسته است:

در حریم کعبه نور آفتاب افتاده است یا فروغی از جمال بوتراب افتاده است؟
 خانه زاد حق که در اثبات حقایقش مدعا والله اعلم بالصواب افتاده است

به ماجرای میلاد در کعبه، گاهی به عنوان یک وصف و منقبت در اشعار اشاره شده است، گاهی هم آن حادثه به صورت یک تصویر فنی و روایت، بازگو شده است. از جمله کسانی که گزارشگر این فضیلت اند، «محمد رضا رحمانی تهرانی» است، که چنین سروده است:

مقابل حرم کعبه ایستاد، زنی
 گشود است دعا سوی آسمان و گریست
 که یا رب از کرم آسان نمای مشکل من
 ندا به فاطمه بنت اسد رسید ز حق
 در آن مکان مقدس قدم نهاد و بزاد
 خدا نهاد «علی» نام خانه زادش را
 پیمبر آمد و زد بوسه بر لب و دهنش
 به تن ز شرم و حیا و وقار، پیرهنی
 شکفت غنچه هفت لب، به زیر لب سخنی
 که بار دارم و آزرده جان و خسته تنی
 قدم به خانه من نه، میهمان منی
 گرفت دست خدا را به دست، شیر زنی
 که روح نامتناهی دمید بر بدنی
 که آفرین خدا بر چنین لب و دهنی



«ملک الشعراى بهار» نیز قصیده‌ای دارد که برخی ابیاتش چنین است:

زهی به کعبه شرافت فزای رکن و حطیم زهی مقام تو فخر مقام ابراهیم
 زهی حریم تو چون کعبه، لازم الإکرام زهی وجود تو چون قبله، واجب التعظیم
 میان لجه شرع محمّدی، کعبه است همان صدف که در او زاد چون تو دُرّ یتیم

در سروده‌های فراوانی توجّه به کعبه در عبادت و نماز، با توجّه به مولای متّیان
 قرینه‌سازی شده است.

«محمّد علی فتی تبریزی» در ولادت حضرت می‌سراید:

امروز کعبه را شرف و مرتبت فزود کانجا بزرگ آیت دادار، رخ نمود
 زین پیشتر نداشت چنین حرمتی حرم شد مولد علی و از آن حرمتش فزود
 مهر علی است هادی حق دوستان پاک بر کعبه می‌برند اگر روز و شب سجود

پیوند کعبه هم با تولّد علی علیه السلام است، هم با شهادتش. جامه سیاه کعبه را هم
 پوشیدن لباس عزا در سوگ این خانه‌زاد حرم تصویر کرده‌اند؛ از جمله «حسان»
 می‌گوید:

کعبه ز کف داده چو مولود خویش گشته سیه پوش عزای علی

شیوه روایی از ماجرای میلاد، در شعر «نعمت آرم» نیز این چنین آمده است:

گرد حریم قدس، چنان روزهای پیش آنجا زنی که جان جهانی نهفته داشت
 زیرا که روی دامن آن گلبن عفاف برد التجا به کعبه، که‌ای آستان پاک
 دیوار کعبه کرد دهان با خروش باز پا هشت در درون سرایی که غیر او
 شد در درون کعبه و دیوار شد به هم و اشد ز طاق عرش کلاف سفید نور
 جمعی بدند یکسره در گفت و در شنید از التهاب شوق نیارست آرمید
 می‌خواست تازه غنچه توحید بشکفید یارم چگونه از نظر مردمان رهید؟
 کاین خانه جای توست که آری گهر پدید دست کسی به ساحت پاکش نمی‌رسید
 چونان که بُد نخست به ستواری حدید تا بید روی کعبه چنان هاله‌ای سپید

تا آنجا که می‌گوید:

باید کعبه از شرف و بانگ تهنیت
دیوار کعبه بدرقه راه، کرد سینه باز
از ساکنان عرش به گوش جهان رسید
چونان صدف که گوهر خود را کند پدید
مادر برون شد از حرم و کودکش به بر
وز این شکفت حادثه، حیرت لبان گزید

این شیوه، در شعر بلند «شمس اصطهباناتی» - که قسمتی از آن پیشتر آمد - نیز دیده می‌شود که حالتی تصویری از آن واقعه شکفت دارد و همانگونه که در آغاز سخن یاد شد، مقام مادر علی علیه السلام را برتر از مادر عیسی می‌شمارد و می‌گوید:

آمد ندای اُدخلی او را ز حیّ ذوالکرم

یعنی تو غیر از مریمی، باز آ و چون مریم مرم

از شاعران معاصر، مرحوم «محمدعلی مردانی» از جمله دلدادگان امیرالمؤمنین علیه السلام است که در مجموعه شعرش به نام «علی مظهر عدل و فاطمه مظهر تقوا» در ابیات فراوان به این منقبت علوی اشاره دارد، که برخی از آنها را می‌آوریم:

در شعر سالار جوانمردان که ترسیمی زیبا از شب میلاد است، از جمله می‌گوید:

نهاد بنت اسد پا به کعبه مقصود
علی ولیّ خداوندگار، ربّ ودود
که تا نهاد اسدالله پا به ملک وجود
ز امر صانع کلّ کردگار غیب و شهود
عیان به کعبه شد آن پای تا به سر اعجاز

سه روز بنت اسد بود میهمان اله
که از ولادت سرّ خدا شود آگاه
به خانه‌زاد خدا جز خدا نبُد همراه
به قاف قدر رفیعش نبرد غیری راه

که بود لطف کریمش مغیث و محرم راز

پس از سه روز عیان گشت نشئه دگری
خدا به شیر زن مگه داد شیر نری
ز برج کعبه درخشید مهری و قمری
تبارک‌الله از این مادر و چنین پسری

که در جلالت و قدرند از بشر ممتاز

در جای دیگر چنین آورده است:

دیوار کعبه کرد دهن باز و با جلال
بسهاد پا به خانه حق مام اطهرش

بر روی مام نیک فر شیر پرورش
 زین موهبت که دولت گل شد مستخرش
 در آستان کعبه به دامان مادرش
 شد غرق نور، مگه ز روی منورش
 محمود را جو آینه در پیش منظرش
 خیزد عبیر عدل ز محراب و منبرش

شیر خدا به بیت خدا دیده باز کرد
 بنت اسد ز دیده فروریخت اشک شوق
 وجه خدا به جلوه دل از عاشقان ربود
 خورشید عشق از افق کعبه پرکشید
 مولود کعبه دیده حق بین گشود و دید
 مولود کعبه مظهر عشق است و عدل و داد

همچنان که در این شعر نیز - مثل برخی اشعار دیگر - ملاحظه می شود، گشوده شدن راهی به درون کعبه، میلاد حضرت امیر در بیت الله، افتخار و فضیلتی هم برای فرزندان محسوب می شود و هم امتیازی برای مادر به شمار می آید. وی در جای دیگر به همین حقیقت ناب چنین اشاره دارد:

بر خانه زاد خود نظری دارد
 در کعبه شور حق مقری دارد
 فرزانه طفل ناموری دارد
 دعوت ز حق دادگری دارد
 خورشید را به کف، قمری دارد
 به به چه میر حیه دری دارد

تا بسپرد به خانه خدا خانه
 حق میزبان و مظهر حق میهمان
 فخر زمانه مادر وجه الله
 مانده سه روز در دل بیت الله
 شمسی ز برج کعبه نمایان شد
 فریاد می زند کنه علی دارم

با این شاعر، در قصیده دیگری هم همراه می شویم:

در انتظار حادثه‌ای غیر باور است
 امروز قدر زمزم، افزون ز کوثر است
 در بسته است و دیده خلقی بر آن در است
 شیر افکنی به دامن آن شیر پرور است
 بر آسمان عدل و شرف مهر انور است
 بابش ز هشت باب جنان جانفزا تر است
 همراز و همکلام و هم آواز و هم براست

دیوار کعبه کرده دهن باز و عالمی
 امروز کعبه فخر به هفت آسمان کند
 بر گرد کعبه گشته به پا شور و هلله
 بنت اسد ز کعبه خرامد برون چو شیر
 نوزاد کعبه صاحب اورنگ «آتما» است
 دست علی گلی به سر کعبه زد کز او
 نوزاد کعبه در شب معراج با رسول

«ژولیده نیشابوری» از شاعران صاحب‌دلی است که در مدح اهل بیت، سروده‌های زیبایی دارد. در یکی از سروده‌هایش به این فضیلت اینگونه اشاره می‌کند:

از امر حق به خانهٔ حق شد ولادتت تا حق شود ز جلوۀ تو جلوه گر، علی!
 از یمن مقدم تو حرم گشت محترم ای داده از تو نخل ولایت ثمر، علی
 تا آنکه یادبود تو ماند به یادگار بهر توگشت معجز شقّ القمر، علی
 شرط قبول حجّ و طواف حرم تویی سعی و صفا و رکن و منا و حجر، علی

آری... حرمت حرم، از مولود حرم است. این مضمون در شعری از «مظاهر اصفهانی» چنین آمده است:

علی امشب حرم را محترم می‌دارد از مقدم که جبریل امین گیرد حرم پر می‌زند امشب
 در شعر «عماد تهرانی» است:

حرم کعبه تو را مولد از آن شد، یعنی ای مهین بنده، تویی صاحب این خانهٔ ما
 و «حاج اسماعیل شیرازی» می‌سراید:

در مرحلهٔ علی نه چون است و نه چند در خانهٔ حق زاده به جانش سوگند
 بی‌فرزندی که خانه زادی دارد شک نیست که با شدش به جای فرزندی

خانه زادی مولا نسبت به کعبه و خدای کعبه به تعبیر گوناگون بیان شده است. از جمله در این رباعی:

روزی که علی به کعبه آمد به وجود از بهر علی خدا در کعبه گشود
 در بست بداد خانهٔ خود به علی حقاً که علی است خانه زاد معبود

برداشت‌های لطیف و نکته‌سنجی‌های ظریف نسبت به این واقعهٔ شگفت، شاهد مجذوب شدن دلها به صاحب ولایت و مولود کعبه است. در غیر شعر نیز اینگونه لطافت‌های ادبی دیده می‌شود؛ مثلاً «محمود عقاد» نویسندهٔ برجستهٔ مصری می‌نویسد:



حضرت علی علیه السلام در درون کعبه زاده شد و خدای متعال عنایتی کرد که وی بر بت‌های کعبه سجود نکرد، گویا میلاد او در کعبه پیام‌آور دوران جدیدی برای کعبه و عبادت در آن است.^۲

علامه امینی از تفسیر «آلوسی» سخنی را اینگونه نقل می‌کند:

این افتخار که نصیب علی علیه السلام شد و در کعبه به دنیا آمد، حضرت دوست داشت که به نحوی این مکرمت و موهبت را جبران کند. تلافی کردنش آن بود که بت‌های خانه کعبه را به پایین افکند و در برخی روایات نیز آمده است که کعبه، از اینکه در اطرافش بت‌ها مورد پرستش قرار می‌گرفتند به خدای متعال شکایت کرد که: پروردگارا! تا کی این بت‌ها پیرامون من پرستیده خواهد شد؟ خداوند نیز وعده داد که کعبه را از این آلودگی پاک خواهد ساخت.^۳

باری... تولد حضرت علی در این مکان، تجلی دیگری از نور خدا در عرصه هستی است. «دکتر قاسم‌رسا» در شعر دیگری می‌گوید:

کعبه امروز تماشاگر اهل نظر است کز سراپرده حق نور خدا جلوه گر است
آمد از کعبه برون قبله نمایی که در اوست آنچه منظور دل مردم صاحب نظر است

حجت الهی و وصی رسول، برای نشان دادن «جهت» و سمت و سوی توجه به حق است. این همان خصلت «قبله‌نمایی» است که در شعر فوق، به آن اشاره شده است. امامان حق را خدای متعال برای همین «جهت‌یابی» و گم نکردن راه و هدف، تعیین کرده است. وقتی «صائب تبریزی» می‌گوید:

غفلت نگر که پشت به محراب کرده‌ایم در کشوری که قبله نما موج می‌زند

می‌توان گفت: در سرزمینی که نور ولایت علوی تابیده است، نباید کسانی در یافتن راه و جهت، دچار سردرگمی و حیرت و انحراف شوند. شاعری دیگر اینگونه سروده است:

خانه و زادگاه تو، بیت خداست یا علی چهره دلگشای تو قبله نماست یا علی
زمزمه ولادت، سوره مؤمنون بود روز نخست بر لب ذکر خداست یا علی

این سخن اشاره به روایتی است که: وقتی حضرت علی علیه السلام در کعبه متولد شد، همان دم بر زمین سجود آورد، در حالی که می‌گفت: «أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أن محمداً رسول الله...» و پس از سه روز که از کعبه بیرون آمد، در برخورد با پدرش ابوطالب بر او سلام داد، آنگاه آیات نخست سوره مؤمنون (قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ) را تلاوت کرد.^۴

«حسان»، شاعر معاصر در یکی از سروده‌هایش اینگونه به وصف این منقبت درخشان پرداخته است:

بیا به خانه خدا، به کوی و بام و در نگر تمام نور عشق را، بیا به یک نظر نگر
 نشاط عاشقان بین، گره گشای از جبین علی امیر مؤمنین به کعبه مستقر نگر
 چو کعبه دید مادرش، به احترام حیدرش شکافت در برابرش، شکوه و عزّ و فر، نگر
 به کعبه زادگاه او، خداست تکیه گاه او به اولین نگاه او، به بهترین بشر نگر

در پایان این بررسی گذرا، کلام «شیخ مفید» را زینت بخش این نوشته می‌سازیم که در ارشاد نوشته است:

«نه پیش از علی علیه السلام و نه پس از وی، هیچ مولودی در خانه خدا به دنیا نیامده است، مگر او. این از روی بزرگداشت خداوند نسبت به مقام و موقعیت اوست.»^۵

● پیا نوشتها:

۱. عده‌ای از علمای شیعه و سنی تصریح کرده‌اند که روایات در این مورد در حدّ تواتر است و برخی کتاب مستقلی در همین زمینه نوشته‌اند. نک: الغدير، ج ۶، ص ۲۲ به بعد.
۲. عبقرية الامام علي، ص ۴۳
۳. الغدير، ج ۶، ص ۲۲
۴. مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۱۷۳
۵. الغدير، ج ۶، ص ۲۴